

## بررسی تأثیر مالیات (درآمد - دستمزد) روی عرضه نیروی کار\*

محسن زاینده‌رودی\*\*

### چکیده

مالیات و عرضه نیروی کار، یکی از مهم‌ترین مباحث اقتصاد بخش عمومی به شمار می‌رود. مالیات بر درآمد از طریق تغییر در تخصیص زمان بین کار و فراغت روی عرضه نیروی کار و در نتیجه، روی تولید و درآمد ملی تأثیر می‌گذارد. با توجه به ابهامی که از لحاظ نظری در مورد تأثیر مالیات روی عرضه نیروی کار وجود دارد، در این مقاله، با استفاده از مدل‌های آماری و بررسی مقطعی و طولی - مقطعی در میان استان‌های کشور تلاش کرده‌ایم که به بررسی تأثیر مالیات روی عرضه نیروی کار در بازارهای کارخاص بپردازیم. نتایج به دست آمده از بررسی بازارهای کارخاص بیانگر این است که مالیات از طریق تغییر در نرخ دستمزد خالص تأثیر مثبتی روی ساعات کاری می‌گذارد. به بیان دیگر، با افزایش مالیات (کاهش نرخ دستمزد خالص) ساعات کاری نیز کاهش پیدا می‌کند ولی درجه حساسیت گروه‌های درآمدی موردنظر متفاوت است. کشش‌های به دست آمده برای گروه‌های درآمدی موردنظر در بازارکارخاص برای نرخ دستمزد و درآمدهای متفرقه می‌تواند دستاوردهای زیادی برای اصلاحات در نظام مالیاتی و پژوهشی آینده به همراه داشته باشد. به بیان دیگر، با توجه به حساسیت ساعات کاری در بازارهای کارخاص نسبت به نرخ‌های مالیاتی این مسأله، ضرورت کاهش نرخ‌های مالیاتی برای تخصیص مؤثرتر نیروی کار و افزایش درآمدهای مالیاتی را به خوبی نشان می‌دهد.

---

\*\* این مقاله بر اساس رساله دکتری محسن زاینده‌رودی به راهنمایی آقای دکتر جمشید پژویان نوشته شده است.

\*\* دانشجوی دوره دکتری اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی

### ۱. مقدمه

مطالعه درآمدهای دولت می‌تواند مشابه مطالعه هزینه‌های دولت از بعد خرد و کلان مطرح شود. تجزیه و تحلیل درآمدهای دولت بیشتر از سمت هزینه‌های دولت مدنظر قرار داشته و شاید هنوز مبحث مالیات‌ها یکی از اصلی‌ترین موضوع‌های مورد توجه اقتصاددانان است.<sup>۱</sup>

مالیات بردرآمد و دستمزد از مهم‌ترین نوع مالیات‌های مستقیم - از نظر آثار اقتصادی که در جامعه به جای می‌گذارند - به شمار می‌روند. مالیات بر درآمد و دستمزد از طریق تغییر تخصیص زمان بین کار و فراغت روی ساعات کاری فرد، تصمیم‌گیری روی کار دوم و به طور کلی، مواردی که مسأله انتخاب کار و فراغت مطرح می‌شود تأثیر می‌گذارد و از این طریق موجب تغییر در تولید و درآمد ملی می‌شود.<sup>۲</sup> با توجه به بررسی تأثیر مالیات روی عرضه نیروی کار و محاسبه اضافه بار مالیاتی ایجاد شده ناشی از کاهش عرضه نیروی کار، اقتصاددانان، سیاست‌هایی را برای اصلاح نظام مالیاتی و تغییر نرخ‌های مالیاتی مطرح می‌کنند. در این پژوهش سعی کرده‌ایم با توجه به روش‌های آماری و مدل‌های اقتصادسنجی با تخمین تابع عرضه نیروی کار به بررسی تأثیر مالیات از طریق تغییرات نرخ دستمزد خالص و درآمدهای متفرقه خالص روی ساعات کاری بپردازیم.

گفتنی است به علت تفاوت‌های فردی و محدودیت بودجه متفاوت (مسأله اضافه کاری، درآمدهای متفرقه، خصوصیات اقتصادی و اجتماعی) نمی‌توانیم از توابع عرضه کل در بازار کار استفاده کنیم<sup>۳</sup>، بدین روی، با توجه به ماهیت موضوع در مباحث تجربی و انتخاب بازارهای کارخاص می‌توان از طریق توابع فردی و با در نظر گرفتن فرض یکسان بودن شرایط بازارهای یاد شده به تجزیه و تحلیل موضوع پرداخت.

### ۲. تأثیر مالیات بر درآمد روی عرضه نیروی کار

#### الف) مبانی نظری

مبانی نظری بحث مالیات و عرضه نیروی کار را می‌توان با این سؤال مطرح کرد که یک فرد چگونه زمانی را

۱. پژویان. (۱۳۷۳).

۲. همان مأخذ.

که در اختیار دارد به کار یا فراغت تخصیص می‌دهد و مالیات چگونه روی این تصمیم اثر می‌گذارد. در واقع، با در نظر گرفتن این که نرخ دستمزد بازاری (ناخالص) برای افراد مورد مطالعه ثابت است و افراد ترجیحات و تمایلات گوناگونی نسبت به انتخاب کار و فراغت دارند و مشخص بودن نظام مالیاتی که افراد با توجه به درآمدهای متفرقه و درآمدهای ناشی از کار مشمول نرخ‌های مالیاتی می‌شوند، می‌توان از طریق بررسی مقطعی به تخمین تابع عرضه نیروی کار پرداخت و اثر تغییر مالیات را روی ساعات کاری محاسبه کرد.<sup>۱</sup> به بیان دیگر، به جای اینکه ساعات کاری یک فرد را در طول N سال با دستمزدهای خالص گوناگون (نرخ‌های مالیاتی متفاوت) مورد مطالعه قرار دهیم می‌توان یک جامعه آماری را با در نظر گرفتن فرض‌های زیر در یک سال مطالعه کرده و به بررسی تأثیر مالیات روی ساعات کاری پرداخت:<sup>۲</sup>

۱. دستمزد ناخالص ثابت است،

۲. درآمدهای متفرقه گوناگون،

۳. ترجیحات و تمایلات متفاوت ولی کنترل شده،

۴. مشخص بودن نظام مالیاتی - این موضوع که چه ویژگی برای نظام مالیاتی قائل هستیم به طور قطع در تجزیه و تحلیل ما اثر مستقیمی دارد.

با توجه به فرض‌های یاد شده و با استفاده از روش‌های اقتصاد خرد و مسأله بهینه‌یابی رفتار مصرف کننده می‌توان به بررسی تابع عرضه نیروی کار پرداخت. یکی از مهم‌ترین منابع درآمد اشخاص درآمد ناشی از کار است. عامل کار با هر توانایی وقتی که به بازار کار مراجعه می‌کند در واقع، اوقات فراغت خود را برای عرضه به بازار می‌برد. بدیهی است که قیمت ساعات فراغت بستگی به هزینه فرصت آن و توانایی جسمی و فکری صاحب آن دارد. به بیان دیگر، عامل کار ساعات فراغت خود را برای کارکردن و کسب درآمد آرایه می‌کند، از آنجا که این ساعات فراغت برای شخص مطلوبیت دارد برای عرضه آن درخواست قیمتی را می‌نماید. به بیان دیگر، می‌توان به تابع مطلوبیتی فکر کرد که از دو جزء درآمد و فراغت تشکیل شده باشد.

$$U = F(Y, L)$$

تابع مطلوبیت:

$$\frac{\delta U}{\delta Y} > \frac{\delta U}{\delta L} > 0$$

۱. ماسگریو. ترجمه محمدی. (۱۳۷۲).

2. C.V. BROWN. (1981).

فراغت و درآمد به عنوان "کالاهای نرمال" در تابع مطلوبیت در نظر گرفته می‌شود. در اینجا،  $L$  ساعت فراغت و  $Y$  درآمد را نشان می‌دهد. تابع درآمد فرد را نیز می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$Y = WH + M$$

که در اینجا،  $W$  نرخ دستمزد خالص و  $H$  ساعات کاری یک فرد است:

$$W = \bar{W} (1-T)$$

$W$ ، نرخ دستمزد ناخالص و  $T$  نرخ مالیات بر دستمزد و حقوق و  $M$  درآمدهای متفرقه خالص فرد است. با توجه به حداکثر کردن تابع مطلوبیت و محدودیت درآمدی برای هر فرد می‌توان تابع عرضه نیروی کار را به صورت زیر استخراج کرد:<sup>۱</sup>

$$H = f(M, W, Z)$$

در اینجا،  $H$  متغیر وابسته که ساعت کاری فرد و در طول یک دوره زمان مشخص قابل محاسبه است.

$M$ ،  $W$ ،  $Z$  متغیرهای توضیح دهنده مدل و  $W$  نشان دهنده دستمزد خالص است.

$$W = \bar{W} (1-T)$$

$M$ ، درآمدهای متفرقه خالص فرد است، درآمدهایی که یک فرد غیر از درآمدهای ناشی از کار و فعالیت روزانه به دست می‌آورد.  $M$  و  $W$  متغیرهای توضیح دهنده اصلی هستند و مالیات از طریق این متغیرها روی ساعات کاری اثر می‌گذارد.  $Z$  بردار متغیرهایی است که ترجیحات فرد را نسبت به انتخاب کار یا فراغت نشان می‌دهد، مانند سن، تعداد فرزندان، جنس، وضع تأهل و جز اینها. از آنجایی که مالیات بر دستمزد و حقوق، همانند کاهش دستمزد و حقوق خالص برای شخص است اثر مالیات بر دستمزد و حقوق دو اثر درآمدی و جانشینی ایجاد می‌کند که هم می‌تواند باعث کاهش عرضه کار و هم افزایش عرضه کار شود و اثر قطعی آن از قبل از لحاظ نظری مشخص نیست.<sup>۲</sup>

#### اثر جانشینی ناشی از تغییر مالیات

هر چقدر شخص از اوقات فراغت خود بیشتر گذشت کند انتظار دریافت قیمت بیشتری برای از دست دادن ساعت فراغت دارد. اگر دستمزد یا حقوق کاهش یابد این انگیزه وجود دارد که شخص ساعات کمتری از

1. B. Atkinson and J. Stiglitz. (1989).

۲. پژویان. (۱۳۷۵).

فراغت خود را در بازار کار ارایه کند.

### اثر درآمدی ناشی از تغییر مالیات

با کاهش دستمزد و همچنین، کاهش ساعات کار فرد، درآمد نیز کاهش می‌یابد و با کاهش درآمد، مطلوبیت فرد کاهش خواهد یافت در نتیجه، شخص برای جلوگیری از کاهش مطلوبیت ناشی از کاهش درآمد ممکن است ساعات کاری را بیشتر و ساعات بیشتری از فراغت خود را از دست دهد.

با در نظر گرفتن ابهامی که از لحاظ نظری در مورد تأثیر مالیات روی عرضه نیروی کار وجود دارد و نبود یک نتیجه قطعی در مورد تأثیر مالیات، مطالعات تجربی از اهمیت زیادی برخوردار است. فرض بسیار مهمی که در مطالعات تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرد پیوستگی در خط بودجه است، به بیان دیگر، عامل کار به راحتی می‌تواند در ساعت کارش انعطاف پذیری داشته باشد. در نتیجه، هر چقدر ساعات کاری برای عامل کار متغیرتر و انعطاف بیشتری داشته باشد رفاه عامل کار بیشتر خواهد بود.<sup>۱</sup>

### ب) پژوهش‌های انجام گرفته

اهمیت چهارچوب نظری در مورد بحث مالیات و عرضه نیروی کار و نتیجه بحث نظری که به ابهام تأثیر مالیات روی عرضه نیروی کار انجامید پژوهشگران و اقتصاددانان را بیشتر به کارهای تجربی در این زمینه کشانده است. در این خصوص، می‌توان به دو گروه از مطالعات که در این رابطه انجام گرفته اشاره کرد:<sup>۲</sup> گروه اول، مطالعاتی با تأکید بر مصاحبه از گروه‌های درآمدی خاص است که هدف آنها بررسی تغییرات ساعات کاری افراد در مقابل تغییرات نرخ مالیات بوده است. در این خصوص، اقتصاددانان با طرح سؤالات غیرمستقیم و خاص نتایج گرفته شده را در سه حالت، بی‌تأثیر، افزایش و کاهش طبقه بندی کرده‌اند و در نهایت، به نتیجه تأثیر مالیات روی ساعات کاری رسیده‌اند. جدول (۱) خلاصه‌ای از این مطالعات را نشان می‌دهد.

گروه دوم، مطالعاتی که به طور کلی از روش‌های آماری و مدل‌های اقتصادسنجی به بررسی تأثیر

1. C. Baily. (1997).

۲. پژوهان. (۱۳۷۳).

مالیات روی ساعات کاری پرداخته‌اند. بر این اساس، اقتصاددانان با استفاده از مدل‌های عرضه نیروی کار و تخمین اثرات درآمدی و اثرات جانشین ناشی از مالیات با تأکید بر آمار مقطعی و محاسبه کشش‌های مورد نظر به بررسی اثر مالیات روی عرضه نیروی کار پرداخته‌اند.

در مورد پژوهش‌هایی که انجام شده نکات زیر قابل ذکر است:

(۱) کارهای تجربی که از ارزش‌های آماری به بررسی تأثیر مالیات روی عرضه نیروی کار پرداخته‌اند، برای تجزیه و تحلیل مدل از آمارهای مقطعی استفاده کرده‌اند. در واقع، فرض اصلی در این مطالعات این است که افراد مورد مطالعه ترجیحات یکسانی دارند و هر کدام از افراد نمونه دارای درآمدهای متفرقه و نرخ دستمزد جداگانه‌ای هستند.

(۲) گروه‌های مورد مطالعه دارای ویژگی خاصی هستند که اولاً، در ساعات کاری انعطاف‌پذیری از خود نشان دهند و محدود به قوانین و شرایط بازار کار نباشند و ثانیاً، درآمدشان ناشی از ساعات کاری است. جدول (۲) خلاصه‌ای از این مطالعات را نشان می‌دهد.

## جدول - ۱

ردیف	نام پژوهشگر	سال مورد بررسی	کشور	گروه‌های مورد مطالعه	حجم نمونه	مورد بررسی	نوع جمع‌آوری داده‌ها	روش تخمین مدل و استخراج آماري	انرجانیسی مدل	اثرآزمایی مدل	نتیجه به‌دست آمده از پژوهش
۱	Sanders	۱۹۵۱	USA	مدیران عالی رتبه	۱۶۰	مصاحبه	بر سشنامه و طرح سؤالات غیرمستقیم	طیفی‌بندی پاسخ‌های داده شده به درصد	-	-	مدل‌های هیچ تئوری روی ساعات کاری ندارد.
۲	Break	۱۹۵۷	UK	حسابداران و وکلای	۳۰۶	مصاحبه	"	"	-	-	مدل‌های هیچ تئوری روی ساعات کاری نشانده است.
۳	Barlow Morgan	۱۹۶۶	USA	گروه‌های بالای درآمدی	۹۵۷	مصاحبه	"	"	-	-	از هر پنج نفر یک نفر مدعی بوده که به علت افزایش مدل‌های کمتر کار کرده است.
۴	Fields Stanbury	۱۹۶۹	UK	حسابداران و وکلای	-	مصاحبه	"	"	-	-	نسخ‌های تصاعدی مدل‌های باعث کاهش ساعات کاری می‌شود.
۵	Robinson Chatterje	۱۹۶۹	USA	حسابداران مقاع غیرحرفه‌ای	۱۰۳ ۲۶۶	مصاحبه	"	"	-	-	مدل‌های باعث افزایش ساعات کاری مقاع غیرحرفه‌ای شده است ولی می‌توان گفت که درک این مدل‌ها چندان است.
۶	Levin Brown	۱۹۷۴	USA	ظرفیات پایین درآمدی و کارگران مرددیگر هفته‌ای	۲۰۰۰	مصاحبه	"	"	-	-	تفسیر مدل‌های ناچیز و ناپای چشم‌پوشی است و تنها زمان مدعی بودند که با افزایش مدل‌های کمتر کار می‌کنند.

جدول - ۲.

ردیف	نام پژوهشگر	سال	کشور	گروه‌های	حجم	مدل مورد	نوعه جمع‌آوری	روش تخمین	انرجاتیبی	اورد آبدی	نتیجه به دست آمده از
۱	Rosen	۱۹۷۵	USA	زنان ازدواج کرده	۲۵۳۵ نمونه	ابع خطی عرضه نیزه کار با فرض بزرگ، دستنویسها تابعی از ساعت کاری باشد.	بزرگش های انجام شده در دانشگاه اوهایو در رابطه با کار زنان	OLS	-	-	نرخ بهای مالیات یک زبیر قان توجه روی ساعات کاری زنان دائمه است.
۲	Hausman Ruud	۱۹۷۵	USA	زوج‌هایی که با هم به صورت کارکن مستقل یا غیره کار می‌کنند.	۱۹۹۱	دیفر گزین تابع مسلطیت زن و شهر مرتبط و استخراج تابع خطی عرضه کار زن و شوهر مرتبط	بزرگش های انجام شده برای بررسی درآمدها	ML	$\alpha = 0.003$	$\beta = 0.1695$	افزایش در آمد مرد زبیر قان توجهی بر کاهش عرضه کار زنان دائمه است.
۳	Burtless Hausman	۱۹۷۸	هند	سختین ۲۵-۵۵ مردان	۳۸۰	در نظر گرفتن تابع مسلطیت غیر مستقیم ر استخراج تابع عرضه نیروی کار غیر خطی	گزینش های رسمی بوده خاویز	ML	$\alpha = 0.003$	$\beta = 0.1768$	تغییر نرخ دستنویس ابرام تا چیزی روی ساعات کاری می‌گذارد.



ردیف	نام پژوهشگر	سال مورد	کشور مورد	گروه‌های	حجم نمونه	مدل مورد بررسی	نحوه جمع‌آوری داده‌ها	روش تخمین مدل	انرجایشی	انرژی‌آزمی	نتیجه به دست آمده از پژوهش
۴	Stuart	۱۹۸۱	سوئد بررسی	خانوارهایی که در دو بخش اقتصادی کار می‌کنند		مدل دو بخش هایپرگ نشان عمومی	اطلاعات آبرزی طبیب	Tobin Nordhavs	-	-	با افزایش نرخ بدهی مالیات تا ۷۰ درصد از درآمدهای دولت و عرضه نیروی کار کاهش پیدا می‌کند.
۵	Blomquist	۱۹۸۳	سوئد	مردان ازدواج کرده		تابع خطی عرضه نیروی کار	انستیتو تحقیقاتی مطالعات اجتماعی	ML	$\alpha=0/206$	$\beta=0/024$	مالیات باعث کاهش عرضه نیروی کار مردان شده است.
۶	Hausman	۱۹۸۵	USA	سنین ۲۵-۵۵ مردان در گروه مشاغل خاص		تابع خطی عرضه نیروی کار	آمار اقتصادی خرد بودجه خانوار	OLS	$\alpha=0/000$	$\beta=0/17$	با توجه به شیب تابع عرضه نیروی کار مالیات باعث کاهش عرضه نیروی کار شده است.
۷	Brown Levin ROSA	۱۹۸۶	UK			تابع خطی عرضه نیروی کار برای دو گروه مردان و زنان طاه	آمار اطلاعات مناسب	ML	$\alpha=0/78$ $\alpha=0/41$	$\beta=0/178$ $\beta=0/22$	عرضه نیروی کار مردان نسبت به نرخ مالیات حساسیت نشان نمی‌دهد تقریباً صمودی است ولی عرضه نیروی کار زنان حساسیت نشان می‌دهد.
۸	Kaiser Spain Essen	۱۹۹۳	آلمان غربی	مردان ازدواج کرده زنان ازدواج کرده		تابع خطی عرضه نیروی کار	آمار اطلاعات اقتصاد خرد و ذرات اطلاعات	ML OLS	$\alpha=0/78$ $\alpha=1/22$	$\beta=0/178$ $\beta=0/178$	زنان مالیات بزرگ عرضه نیروی کار مردان صفر و بدون سهمی است ولی مالیات باعث کاهش عرضه نیروی کار زنان شده است.

### ۳. بررسی تأثیر مالیات (درآمد - دستمزد) روی عرضه نیروی کار بازارهای کارخاص ایران

برای بررسی تأثیر مالیات عرضه نیروی کار در ایران با توجه به تعدیل‌های انجام شده از مدل و مفروضات بلوم کوايست استفاده کرده‌ایم.<sup>۱</sup> در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، دولت سوئد نرخ‌های مالیاتی را افزایش داد. بلوم کوايست در این زمان به دنبال بررسی این مسأله بود که افزایش نرخ‌های مالیاتی چه اثرات مثبت و منفی در جامعه بر جای می‌گذارد و در نهایت، درآمدهای مالیاتی دولت افزایش یا کاهش خواهد یافت.

با توجه به ابعاد گسترده اثرات مالیات، بلوم کوايست تنها به بررسی تأثیر مالیات بر درآمد روی عرضه نیروی کار مردان متأهل در کشور سوئد در سال ۱۹۸۳ پرداخت تا از این طریق بتواند به سؤال یاد شده جواب دهد. در ایران نیز در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا کنون در طی سه دوره، نرخ‌های مالیاتی مورد تجدید نظر قرار گرفته است و هنوز نیز اصلاحاتی را برای افزایش درآمدهای مالیاتی و تخصیص مؤثر نیروی کار لازم دارد. بدین روی، در این پژوهش تأثیر مالیات روی ساعات کاری را بررسی کرده‌ایم تا بتوانیم حساسیت ساعات کاری بازارهای کارخاص نسبت به تغییرات مالیات را مورد بررسی قرار دهیم. مدل مورد نظر برای بررسی آماری عبارت است از:

$$\log H = a_0 + a_1 \log w + a_2 \log M + a_3 c + a_4 E + a_5 Z$$

که در آن:

H: ساعات کار در سال،	E: متغیر مجازی برای وضعیت تأهل (ازدواج کرده و مجرد)،
w: نرخ دستمزد خالص،	Z: سایر ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مانند تعداد فرزندان،
M: درآمدهای متفرقه،	C: متغیر مجازی برای سن، گروه‌های سنی ۲۵-۴۵ و ۴۵-۶۵ سال.

۱. مفروضات مدل Blumquist عبارت است از:

۱. مشخص بودن تابع تمایلات و ترجیحات فرد نسبت به انتخاب کار یا فراغت،
۲. مشخص بودن تابع محدودیت درآمدی یک فرد که شامل درآمدهای خالص ناشی از کار و درآمدهای خالص متفرقه است،
۳. فراغت مانند یک کالای نرمال است که شخص از آن مطلوبیت کسب می‌کند،
۴. نرخ دستمزد ناخالص بازار برای گروه‌های مورد مطالعه ثابت است،
۵. مالیات (T) از طریق تغییر نرخ دستمزد خالص روی ساعات کاری اثر می‌گذارد.

ضرایب  $a_1$  و  $a_2$ ، کشتن ساعات کاری را نسبت به تغییرات نرخ دستمزد خالص و درآمدهای متفرقه نشان می‌دهد. متغیر وابسته، ساعات کار فرد در طول سال است. متغیرهای توضیحی به کار گرفته شده در مدل عبارت است از: نرخ دستمزد خالص، درآمدهای غیرکاری (متفرقه) و مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مانند: سن، جنسیت، تأهل، تعداد فرزندان، تحصیلات که تمایلات فرد را نسبت به کار یا فراغت نشان می‌دهند.

در این بررسی، اطلاعات و آمار مورد نیاز را به دو صورت زیر جمع آوری کرده‌ایم:

الف) اطلاعات و آمار بودجه خانوار (مرکز آمار ایران و بانک مرکزی)،

ب) اطلاعات پرسشنامه‌ای از بازار کار خاص (پزشکان استان کرمان).

در اطلاعات بودجه خانوار برای محاسبه ساعات کاری، از آمار ساعات کار در هفته و هفته‌های کار در سال استفاده شده و برای محاسبه درآمدهای خالص ناشی از کار، مجموع دریافتی‌های مستمر و غیرمستمر پولی و غیرپولی سالانه ناشی از کار پس از کسر مالیات در نظر گرفته شده است. همچنین، برای محاسبه درآمدهای متفرقه علاوه بر اجاره اموال منقول و غیرمنقول و درآمد ناشی از حساب پس‌انداز و سپرده ثابت، درآمدهای همسران نیز به عنوان درآمد متفرقه در نظر گرفته شده است.

با توجه به اطلاعات تهیه شده، مدل مورد نظر برای بررسی مقطعی در کل کشور و بررسی طولی - مقطعی در میان استان‌های کشور به کار گرفته شده است. بر این اساس، تابع عرضه نیروی کار را در مورد تمامی گروه‌های درآمدی و مشاغل موجود مورد بررسی قرار دادیم ولی نتایج مدل در مورد بازارهای کار خاص بیشتر قابل تعمیم بود و مدل جواب مناسب‌تر و معنادارتری برای تجزیه و تحلیل اثر مالیات روی ساعات کاری به ما می‌دهد. بازارهای کار خاص در اطلاعات بودجه خانوار شامل گروه پزشکی - حسابداران و به طور کلی مشاوران و مدیران عالی رتبه اداری است.

در مجموع، نتایج به دست آمده از این پژوهش را می‌توان به صورت زیر برای جامعه آماری مردان و

زنان خلاصه کرد:

جامعه آماری زنان:

$$\text{LogH} = 0/76 + 0/11 \log w - 0/11 \log M + 0/21 E + 0/16C$$

$$P = (0/33) \quad (0/0003) \quad (0/007) \quad (28\%) \quad (0/15)$$

$$R^2 = 69\% \quad R^{-2} = 70\% \quad F = 9/6$$

P : سطح معناداری :

جامعه آماری مردان:

$$\text{LogH} = 1/3 + 0/03 \log w - 0/005 \log M + 0/01 E + 0/09 C$$

$$P = (0/000) \quad (0/0007) \quad (0/63) \quad (0/005) \quad (0/004)$$

$$R^2 = 70\% \quad R^{-2} = 74\% \quad F = 4/2$$

جامعه آماری مردان و زنان:

$$\text{LogH} = 1/4 + 0/037 \log w - 0/0023 \log M + 0/069 E + 0/002 C$$

$$P = (0/00) \quad (0/002) \quad (0/004) \quad (0/05) \quad (0/08)$$

$$R^2 = 60\% \quad R^{-2} = 55\% \quad F = 8/8$$

تأثیر مالیات از طریق تغییر نرخ دستمزد روی ساعات کاری بازارهای کار در سطح اطمینان بیشتر از ۵ درصد معنادار است. به بیان دیگر، مالیات بر درآمدهای ناشی از کار باعث کاهش ساعات کاری می‌شود. کشش‌های ساعات کاری نسبت به نرخ دستمزد خالص برای زنان و مردان نشان می‌دهد که زنان حساسیت بیشتر ( $\alpha_1 = 0/11$ ) و مردان حساسیت کمتری ( $\alpha_1 = 0/03$ ) از خود نشان می‌دهند. به بیان دیگر، در مقابل افزایش مالیات، زنان ساعات کاری را بیشتر کاهش می‌دهند. با توجه به منفی بودن اثر تغییر درآمدهای متفرقه روی ساعات کاری، حساسیت ساعات کاری در مقابل تغییر درآمدهای متفرقه خالص ناچیز و قابل چشم پوشی است. همچنین، از بررسی متغیرهای اقتصادی و اجتماعی با استفاده از متغیرهای مجازی مناسب نشان داده شده است که ازدواج یک تأثیر معنادار و مثبتی روی ساعات کاری می‌گذارد، همچنین، مردان سنین ۲۵-۴۵ سالگی بیشتر از مردان سنین ۴۵-۶۵ سالگی کار می‌کنند.

### نتیجه گیری

با توجه به تخمین توابع عرضه نیروی کار در بازارهای کارخاص می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. تخمین کشش‌های محاسبه شده ساعات کاری نسبت به نرخ دستمزد و درآمدهای متفرقه نشان می‌دهد که کاهش دستمزد خالص (به دلیل افزایش مالیات و نرخ‌های مالیاتی) موجب کاهش ساعات کاری می‌شود ولی اثر مالیات روی درآمدهای متفرقه تأثیر معنادار و قابل توجهی روی ساعات کاری نمی‌گذارد. به بیان دیگر، برای به حداقل رساندن آثار منفی مالیات بر درآمد - در صورتی که اعمال مالیات بر مجموع درآمد وجود داشته باشد - تغییر نرخ مالیات بر دستمزد و حقوق از نرخ تصاعدی ماده ۱۳۱ به یک نرخ ثابت یا حداقل نرخ متوسط تصاعدی به صورت یک معافیت مالیاتی و سپس، نرخ نهایی ثابت در تخصیص مؤثر عامل کار می‌تواند نقش مهمی داشته باشد و با شناخت سایر منابع درآمدی (درآمدهای متفرقه) و از سوی دیگر، گسترش ظرفیت پایه مالیاتی و کاهش نرخ‌های نهایی مالیات ماده ۱۳۱ می‌توان نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی را افزایش داد.

۲. با وجود کشش‌های متفاوت ساعات کاری، گروه‌های درآمدی نسبت به تغییرات نرخ دستمزد خالص (مردان و زنان - متأهلی) می‌توان نرخ‌های مالیاتی مختلفی را برای گروه‌های درآمدی متفاوت در نظر گرفت.

۳. یکی از پیام‌های این پژوهش - با نشان دادن پی‌آمدهای اثرات منفی مالیات بر درآمد - راهنمایی و تشویق به سمت مالیات‌های غیرمستقیم و شناخت مالیات‌های جدید مانند مالیات بر هزینه‌های مصرفی است.

۴. اگرچه با روش اقتصادسنجی سعی شده است که به بررسی اثر مالیات بر عرضه کار پرداخته شود ولی این روش با مشکلات مختلفی نظیر موارد زیر مواجه است:

- تخمین و محاسبه درآمدهای ناشی از کار و درآمدهای متفرقه غیرواقعی است و در این زمینه آمار و اطلاعات صحیح کمتر موجود است.
- عرضه کار در عمل تحت تأثیر متغیرهای مختلفی نظیر سن، تحصیلات و جز اینها قرار می‌گیرد که برآورد صحیح این متغیرها ممکن است در عمل با مشکلات گوناگونی مواجه شود.
- وجود سیستم‌های مختلف رفاهی که ممکن است خط بودجه را با شیب‌های متفاوتی مواجه کند،

در این صورت، ممکن است منحنی بی تفاوتی با چند نقطه تماس داشته باشد که جواب‌های مختلفی به ما خواهد داد.

### منابع

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و ترازنامه. سال‌های ۴۹-۱۳۶۷.
- پژویان، جمشید. (۱۳۷۳). اقتصاد بخش عمومی. مؤسسه تحقیقات اقتصادی.
- پژویان، جمشید. (۱۳۷۵). مالیه عمومی و خط مشی دولت. دانشگاه پیام نور.
- پورمقیم، جواد. (۱۳۷۳). اقتصاد بخش عمومی. نشر نی.
- جیروند، عبدالله. (۱۳۶۷). مالیه عمومی جدید. انتشارات مولوی.
- زندى حقیقی، منوچهر. (۱۳۶۹). اقتصاد بخش عمومی. دانشگاه تهران.
- سازمان برنامه و بودجه. (آذرماه ۱۳۶۴). مجموعه مقالات تحقیقی درباره مالیات‌ها. دفتر اقتصاد کلان.
- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۷۵). مجموعه آماری، سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی. معاونت امور اقتصادی.
- صمیمی، جعفر. (۱۳۷۱). اقتصاد بخش عمومی. انتشارات سمت.
- عظیمی، حسین. (۱۳۶۴). مقدمه‌ای بر ساخت و ترکیب درآمدهای مالیاتی کشور و امکانات افزایش درآمد مالیاتی. سازمان برنامه و بودجه.
- Atkinson and Stiglitz. (1989). *Lectures on Public Economic*. MCGRAW - HILL.
- Auerbach and Kotlikoff. (1992). *Dynamic Fiscal Policy*. Cambridge university press.
- Baily. (1997). *Public sector Economic*. Rutledge.
- Brown and Jackson. (1990). *Public Sector Economics*. Black well.
- Brown. (1981). *Taxation and Labour Supply*. George Allen.
- Buchanan. (1970). *The Public Finances*. 3ed. Irwin.

Feldstein. (1995). Behavioral Responses to Tax Rates. *AEA Papers and proceedings*. Vol 85, No 2.

Flood. (1988). Effects of Taxes on Non - Market Work. *Journal of public Economics*, No. 36.

Government Financial Statistics. (G.F.S).

